

تحقیق حاضر به بررسی پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی با رویکردی انتقادی می‌پردازد. به این منظور، توجه اصلی در این تحقیق به موضوعات و روش‌های به‌کاررفته در این پایان‌نامه‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر است. در بررسی حاضر از دو نظریه برای طراحی چارچوب مفهومی استفاده شده است: از نظریه سطوح واقعیت اجتماعی جورج ریتزر برای پوشش موضوعات و از نظریه معرفت و علائق بشری هابرماس برای پوشش روش‌های به‌کاررفته در این پایان‌نامه‌ها. جامعه آماری در این تحقیق کلیه پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی در دانشکده‌های علوم اجتماعی کشور بوده که با استفاده از نمونه‌گیری قضاوتی و غیراحتمالی، دو دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق بیانگر غلبه موضوعات ذهنی نسبت به موضوعات عینی بوده است. اما در خصوص خرد یا کلان بودن موضوعات، گرایش به موضوعات سطح خرد در پایان‌نامه‌های دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و گرایش به موضوعات سطح کلان در دانشگاه تهران بیشتر بوده است. اما در بخش روش‌های تحقیق در هر دو دانشگاه استفاده از روش‌های انتقادی بسیار اندک بوده است. نتایج تحقیق در خصوص ارتباط موضوعات و روش‌های به‌کاررفته در پایان‌نامه‌ها، حاکی از آن است که غالباً انتخاب روش تحقیق نه بر اساس موضوع و شرایط تحقیق بلکه تحت تأثیر عادات و شیوه‌های رایج در تحقیقات صورت گرفته است.

■ واژگان کلیدی:

پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی، موضوع تحقیق، روش تحقیق، دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی

رویکردی انتقادی به پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی در ایران

امیرحسین خان‌دیزجی

کارشناس‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی
Amirhosein.khandizaji@yahoo.com

طرح مسئله

انتقاد یکی از ملزومات اصلی برای نوآوری و پویایی تلقی می‌شود و تنها در صورت وجود اندیشه انتقادی است که اصلاح و تکامل می‌تواند صورت بگیرد. اما عدم وجود اندیشه انتقادی، رکود و عدم تکامل را به دنبال خواهد داشت. ضرورت وجود این اندیشه انتقادی در جامعه‌شناسی که خود علمی انتقادی است، بیشتر است. در حقیقت به دلیل ماهیت انتقادی جامعه‌شناسی است که انتظار می‌رود این علم اصلاح‌گر جامعه و رهایی‌بخش باشد. اما همان‌طور که جامعه‌شناسی با نگرشی انتقادی در تلاش برای اصلاح جامعه است، این نگرش انتقادی می‌باید اول از همه شامل حال خود او شود. به عبارتی دیگر، قبل از آنکه جامعه‌شناسی نگرشی انتقادی به مسائل جامعه داشته باشد، لازم است تا چنین نگرشی نسبت به خود داشته و با رویکردی انتقادی به بررسی علم جامعه‌شناسی بپردازد. علم جامعه‌شناسی تحریف‌شده‌ای که خود دچار مسائل و مشکلات متعددی باشد، نمی‌تواند مسئولیت اصلاح جامعه را بر عهده بگیرد. به همین جهت است که اصلاح علم جامعه‌شناسی، پیش‌شرط اصلاح جامعه از طریق این علم است. این رویکرد انتقادی باید در همه ابعاد جامعه‌شناسی از ماهیت آن تا اهداف و ابزارهای کسب شناخت را شامل شود.

بخش بزرگی از علم جامعه‌شناسی امروز را تحقیقات آن تشکیل می‌دهند. اهمیت تحقیقات جامعه‌شناسی تا حدی است که گاه پیشرفت این علم را وابسته به پیشرفت تحقیقات آن دانسته‌اند. با توجه به این موضوع است که موضوعات مورد بررسی در این تحقیقات و روش‌های مورد استفاده در آنها اهمیت می‌یابند. از این‌رو مطالعه و بررسی تحقیقات جامعه‌شناسی به‌عنوان ابزار کسب شناخت در این علم، می‌باید از اولویت‌های موضوعی در تحقیقات جامعه‌شناسی باشند. به عبارتی دیگر، لازم است تا برای کسب شناخت با استفاده از ابزاری به نام تحقیقات جامعه‌شناسی، ابتدا خود این ابزار مورد نقد و بررسی قرار گیرد. اما متأسفانه در ایران تحقیقات انتقادی به‌ویژه تحقیقاتی که به نقد خود تحقیقات جامعه‌شناسی بپردازند بسیار کم‌اند. برای مثال از میان کل مقالات چاپ شده در نامه علوم اجتماعی تا سال ۱۳۸۵ هیچ مقاله انتقادی وجود ندارد (کچویان و کریمی، ۱۳۸۵: ۴۶). علاوه بر این توزیع مناسب تحقیقات جامعه‌شناسی در میان موضوعات مختلف، می‌تواند دستاوردهای آن را برای جامعه مفیدتر و مناسب‌تر کند. بدیهی است که هر جامعه‌ای بسته به شرایط خاص خود، مسائل و مشکلات خاصی نیز دارد. از این‌رو تحقیقات جامعه‌شناسی نیز باید پوشش مناسبی نسبت به مسائل مختلف داشته باشند. توجه صرف به موضوعات خاص و فراموشی موضوعات دیگر ممکن است باعث هدر رفتن ظرفیت تحقیقاتی یک کشور شود. شیفتگی به موضوعات خاص، که تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه در مقاطع مختلف است، ممکن است با تبدیل شدن به مد، به‌طور ناخودآگاه محققان را وادار کند تا تحت تأثیر مد حاکم به انتخاب موضوعات‌شان بپردازند.

بخش دیگری از تحقیقات جامعه‌شناسی که از اهمیت اساسی در این تحقیقات برخوردار است، روش‌های تحقیق‌اند. منظور از روش تحقیق در جامعه‌شناسی عبارت است از «راه‌ها و طرق

مختلفی که به‌وسیله آنها می‌توان به پدیده‌های اجتماعی نزدیک شد و آنها را مورد مشاهده و ثبت و ضبط و آزمایش قرار داد» (مرتضوی، ۱۳۵۴: ۱۶۱ و ۲۲۴). اهمیت روش تحقیق تا حدی است که گاه پیشرفت جامعه‌شناسی را وابسته به میزان پیشرفت روش‌هایش دانسته‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۹). ماهیت خاص جامعه‌شناسی در کنار بحث‌ها و مجادلات طولانی در مورد روش‌های مورد استفاده در آن، باعث شده تا برخلاف علوم دیگری که در آنها معمولاً از یک روش مشخص استفاده می‌شود، در جامعه‌شناسی روش‌های متعددی به کار گرفته شوند. همچنین برعکس دیگر علوم که در آنها با پیشرفت هر چه بیشتر، وفاق بیشتری بر سر روش‌های تحقیق صورت می‌گیرد، در جامعه‌شناسی با پیشرفت و تکامل هر چه بیشتر آن، تعداد روش‌های تحقیق مختلف بیشتر شده و اختلاف عقیده بیشتری نیز در خصوص آنها به وجود می‌آید (مرتضوی، ۱۳۵۴: ۵).

متأسفانه در حال حاضر همه روش‌های تحقیق مورد استفاده در تحقیقات جامعه‌شناسی ایران، برگرفته از دیگر کشورها بوده و تاکنون ما بیشتر مصرف‌کننده و ترویج‌دهنده این روش‌ها بوده‌ایم و نه خالق و صادرکننده آنها. روشن است که این چنین مصرف‌گرایی در عرصه روش‌های تحقیق، نقطه‌ضعفی برای جامعه‌شناسی ایران تلقی می‌شود. شاید یکی از اولین ملزومات خلق و طراحی یک روش جدید، نقد روش‌های تحقیقی باشد که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عبارتی تا زمانی که ما در آنچه وجود دارد شک نکنیم، نمی‌توانیم به آنچه باید باشد دست یابیم. این اندیشه و نگرش انتقادی البته به‌صورتی سازمان‌یافته در غرب شکل گرفته و همین امر باعث‌شده تا هیچ روش تحقیقی، ارزشی بیش از اندازه نیافته و تبدیل به بت نشود و در نتیجه، همواره در معرض نقد قرار بگیرد. اما متأسفانه به نظر می‌رسد تحقیقات جامعه‌شناسی ایران در حال حاضر خواسته یا ناخواسته شیفتگی خاصی به برخی از روش‌های تحقیقی که در خارج از کشور ساخته می‌شوند پیدا کرده‌اند و از این‌رو روش‌های تحقیقی که وارد کشور می‌شوند به‌عنوان روش‌های نو پذیرفته شده و پس از مدتی به شدت در سراسر کشور پراکنده می‌شوند. در نتیجه این روش‌ها ارزشی فراتر از حد یافته و در مواردی تبدیل به مد و عادت می‌شوند. به این ترتیب همان فشاری که دیگر مدها و عادات بر کنشگران جامعه وارد می‌کنند، در اینجا به‌وسیله روش‌های تحقیق مسلط که تبدیل به مد شده‌اند بر محققان وارد می‌شوند. متأسفانه کنشگران اندکی در جامعه می‌توانند خود را از مدها و عادت‌های جافتاده و مرسوم رها کرده و به شیوه دیگری بیندیشند. انتخاب‌های برخی از کنشگران ممکن است در چنین شرایطی غیرعقلانی و تحت تأثیر مد و عادات جافتاده باشد. چنین شرایطی در مورد روش‌های تحقیق نیز صادق است. به عبارتی زمانی که روش‌های تحقیق خاصی در تحقیقات جامعه‌شناسی حاکم می‌شوند، تبدیل به مد و عادت شده و در نتیجه محققان اندکی می‌توانند خارج از فشار این مد و عادت به انتخاب عقلانی روش تحقیق خاص دست بزنند. به این ترتیب ممکن است محقق بدون توجه به ماهیت و موضوع مورد بررسی، صرفاً تحت تأثیر روش‌های مرسوم، دست به انتخاب روش‌های تحقیق بزند. هورکهایمر معتقد است در چنین شرایطی انتخاب‌های فرد

به جای آنکه از درون و به وسیله خودش صورت بگیرد، از بیرون و به وسیله جامعه تعیین می‌شود. به این ترتیب «فاعلان هر روز بیشتر و بیشتر توسط استلزامات و اوامر محیط خود سمت‌دهی می‌شوند» (هابرماس، ۱۳۸۴: ۴۶۸).

قدرت گرفتن روش‌های تحقیق خاص گاه حتی ممکن است باعث شود تا در اعتبار تحقیقاتی که در آنها از روش‌هایی غیر از روش‌های حاکم استفاده شده است، تردید ایجاد شود. یکی از ویژگی‌های دیگر این مدها این است که آنها موجب همگونی و یکسان‌سازی پیروان‌شان می‌شوند. مد شدن روش‌ها یا موضوعات تحقیق خاص نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این در حالی است که کسانی چون آدورنو^۱ معتقدند همگونی با دیگران فرد را از خلاقیت بی بهره کرده و واکنش‌های او را مشروط و مقید می‌کند (آدورنو، ۱۹۴۱: ۲۲). همچنین اسپورن معتقد است عادات مانع از ایجاد خلاقیت می‌شوند. «یکی از دلایلی که ما هرچه بیشتر رشد می‌کنیم خلاقیت‌مان کمتر می‌شود، آن است که قربانی عادت می‌شویم». تمایل به هم‌رنگ شدن با دیگران، [که یکی از تأثیرات مد هم می‌باشد]، از دیگر موانع خلاقیت است (اسپورن، ۱۳۸۲: ۲۹ و ۳۱). اما متأسفانه در حال حاضر در بسیاری از کشورها جامعه‌شناسی تحت تأثیر جامعه‌شناسی آمریکایی قرار گرفته و از آن پیروی می‌کند. در این میان طبیعی است که بسیاری از محققان برای اعتبار بخشیدن به تحقیقات‌شان در تلاش‌اند تا هرچه بیشتر خود را به روش‌ها و رویکردهای حاکم در تحقیقات جامعه‌شناسی آمریکا نزدیک کنند (محسنی و کوثری، ۱۳۷۸: ۲۳). در ایران نیز غلبه روش‌های پیمایشی در تحقیقات اجتماعی گواهی بر این امر است (کچویان و کریمی، ۱۳۸۵: ۴۹). باز هم طبیعی است که در چنین شرایطی برخی‌ها حتی معتقدند «خارج کردن علوم اجتماعی از قالب‌های فلسفی و تاریخی و کمی کردن و تلفیق آن با فن و تکنولوژی یعنی ایجاد وفاق بین علوم اجتماعی و صنعت، از جمله اهداف عمده جامعه‌شناسی نوین به حساب می‌آیند» (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۰۷).

باید توجه داشت که روش‌های تحقیق صرفاً ابزاری برای کسب شناخت هستند. پس باید دقت کرد تا این ابزارها به هدفی در خود یا آنچه مرتون تحت عنوان مناسک‌گرایی یا فراموشی هدف و توجه به ابزارها مطرح می‌کند تبدیل نشوند (سخاوت، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۰).

با توجه به مطالب مطرح‌شده، این سؤالات مطرح می‌شوند که:

۱. موضوعات مورد بررسی در پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی بیشتر در کدام سطوح واقعیت اجتماعی قرار دارند و توزیع آنها به چه صورتی است؟
۲. روش‌های تحقیق مورد استفاده در پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی کدام‌اند و توزیع آنها به چه صورتی است؟
۳. چه ارتباطی بین موضوعات و روش‌های تحقیق مورد استفاده در پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی وجود دارد؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

شناخت وضعیت موضوعی و روشی تحقیقات جامعه‌شناسی ایران

اهداف جزئی

- شناخت گرایش‌های موضوعی در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی
- شناخت روش‌های به کار رفته در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی
- شناخت رابطه بین موضوعات و روش‌های به کار رفته در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مروری بر تحقیقات انجام شده

- آزادارمکی، تقی و همکاران (۱۳۷۷) فراتحلیل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

یکی از کارهایی که در زمینه بررسی پایان‌نامه‌های علوم اجتماعی صورت گرفته، پژوهشی است که توسط آزادارمکی انجام شده است. وی در این پژوهش با بررسی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری کلیه گرایش‌ها در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، درصد بررسی توصیفی شکل و محتوای آنها برآمده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵ می‌باشند که با نمونه‌گیری صورت گرفته، ۱۰ درصد از این پایان‌نامه‌ها در هر سال تحصیلی به‌عنوان نمونه‌های مورد بررسی انتخاب شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که از لحاظ موضوعات مورد بررسی در پایان‌نامه‌های دکتری، چهار موضوع در حوزه‌های اندیشه و مکاتب جامعه‌شناسی، جرم و بزهکاری، قشربندی اجتماعی و مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته و در مقطع کارشناسی ارشد، بیشترین موضوعات در حوزه‌های جمعیت‌شناسی (۲۴ درصد)، جامعه‌شناسی خانواده (۱۰ درصد) مسائل اقتصادی، جامعه‌شناسی شهری و مطالعات روستایی و عشایری هر کدام ۸ درصد مورد بررسی قرار گرفته است. تنها در سال‌های پس از ۱۳۷۰ است که شاهد پژوهش‌هایی در موضوعاتی همچون دین هستیم. از لحاظ روش‌های به کار رفته در پایان‌نامه‌های دکتری، یک پایان‌نامه از روش پیمایش، یک پایان‌نامه از روش اسنادی به همراه پیمایش، یک مورد از روش اسنادی و یک مورد دیگر تلفیقی از روش‌های پیمایشی، اسنادی و تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند. اما در میان پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، ۱۸/۳ درصد آنها روش بررسی مشخصی نداشتند. اما در میان بقیه پایان‌نامه‌ها ۲۶/۷ درصد از روش پیمایش، ۳/۲۳ درصد از روش‌های اسنادی و پیمایشی استفاده کرده و باقیمانده آنها از روش‌های دیگری همچون تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند. در این تحقیق بخش‌های دیگری از پایان‌نامه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است، اما از آنجا که با موضوع مورد بررسی پژوهش ما چندان ارتباطی ندارد از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

- شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۸۵) نقد روش‌شناسی تحقیقات تربیتی در ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۲۲ شماره ۱، پیاپی ۸۵.

این پژوهش با هدف بررسی و نقد روش‌های تحقیق به‌کار رفته در تحقیقات تربیتی صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۳ گزارش پژوهشی است که در طی پنج سال یعنی از مهرماه ۱۳۷۸ تا مهرماه ۱۳۸۳ به تصویب شورای پژوهشی آموزش و پرورش استان خراسان رسیده‌اند. با بررسی‌هایی که توسط محقق صورت گرفت، مشخص شد غیر از یک پژوهش که به موضوع تاریخچه آموزش و پرورش پرداخته و از روش کیفی استفاده کرده است، بقیه پژوهش‌ها به روش کمی صورت گرفته‌اند. همچنین از مجموع پژوهش‌های کمی، تنها یک پژوهش به‌صورت آزمایشی انجام شده است. در نتیجه مشخص می‌شود که اکثر پژوهش‌ها با رویکرد اثباتی و با استفاده از الگوهای ریاضی متداول در پژوهش‌های علوم طبیعی صورت گرفته‌اند.

- کچویان، حسین و جلیل کریمی، (۱۳۸۵) پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، پاییز.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که به بررسی روش‌های تحقیق در پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی پرداخته، پژوهشی است که توسط کچویان و کریمی صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی و مقالات جامعه‌شناسی مجله‌نامه علوم اجتماعی هستند که با نمونه‌گیری سیستماتیک مواردی به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج بررسی نشانگر این است که از میان کل مقالات‌نامه علوم اجتماعی، هیچ‌کدام به انتقادات وارد بر پوزیتیویسم اشاره‌ای نکرده و حتی انتقادی هم نبوده‌اند. در مجموع ۴۶ درصد از مقالات، پیمایشی و مجموع کل روش‌های دیگر ۵۴ درصد بوده است. از دهه ۴۰ تا ۸۰ با گذشت زمان تعداد پژوهش‌های کیفی کمتر و پژوهش‌های کمی بیشتر شده است. از میان کل پایان‌نامه‌های بررسی شده، غیر از ۲۵ درصد که فاقد ملاک‌های پوزیتیویسم بوده‌اند، ۷۵ درصد دیگر به‌نوعی دارای یک یا چند معیار پوزیتیویسم بوده‌اند. در آخر محققان به این نتیجه رسیده‌اند که شرایط تحقیقات جامعه‌شناسی را تحت عنوان آشفتگی قرار دهند و منظور آنان فقدان مسیر، مکتب و جریان مشخصی در پژوهش‌های مورد بررسی است.

چارچوب مفهومی

از آنجا که ما در این تحقیق به بررسی موضوعات و روش‌های تحقیق می‌پردازیم، به همین جهت از دو نظریه که هرکدام یکی از موضوعات ما را پوشش می‌دهد، به‌عنوان چارچوب مفهومی استفاده می‌کنیم. در بخش اول از نظریه سطوح واقعیت اجتماعی جورج ریترز برای بررسی موضوعات و در بخش دوم از نظریه هابرماس در کتاب معرفت و علائق بشری برای بررسی و پوشش روش‌های به‌کاررفته در پایان‌نامه‌ها استفاده می‌شود.

سطوح واقعیت اجتماعی

جورج ریتزر، برای بررسی واقعیت‌های اجتماعی، از دو پیوستار استفاده می‌کند. اولین پیوستار، پیوستار کلان‌بینانه خردبینانه است. این پیوستار به این جهت شکل می‌گیرد که پدیده‌های جهان اجتماعی را می‌توان به یک رشته پدیده از سطح خرد تا سطح کلان تقسیم کرد. «در حد کلان این پیوستار، پدیده‌های اجتماعی پهن دامنه‌ای همچون گروه‌های جوامع (مانند نظام‌های جهانی سرمایه‌داری و سوسیالیستی)، خود جوامع و فرهنگ‌ها قرار دارند. اما در حد خرد این پیوستار، کنشگران فردی و اندیشه‌ها و کنش‌هایشان جای دارند» (ریتزر، ۱۳۸۳: ۶۳). دومین پیوستار، پیوستار عینی - ذهنی واقعیت اجتماعی است. پدیده‌های اجتماعی را علاوه بر خرد یا کلان بودنشان می‌توانیم از لحاظ ذهنی یا عینی بودنشان هم بررسی کنیم. همچنین هم سطح خرد و هم سطح کلان، می‌توانند ابعاد ذهنی یا عینی داشته باشند. بعد ذهنی در سطح ذهنی و در قلمرو افکار به وجود می‌آید، اما بعد عینی به رویدادهای عینیت‌یافته واقعی و مادی گفته می‌شود. در سطح ذهنی موضوعاتی همچون برساخته‌شدن واقعیت‌های اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها قرار گرفته و در سطح عینی کنشگران، کنش‌هایشان، ساختارهای دیوان‌سالار قرار دارند. به این ترتیب، از آنجا که یک جامعه هم از واقعیت‌های اجتماعی خرد و کلان و هم از واقعیت‌های اجتماعی عینی و ذهنی تشکیل شده است، در نتیجه هر واقعیت اجتماعی را می‌توانیم در یکی از چهار حالت ممکن قرار بدهیم. در سطح کلان - ذهنی: پدیده‌هایی همچون فرهنگ‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، در سطح کلان - عینی: پدیده‌هایی همچون جامعه، قوانین، دیوان‌سالاری، معماری، تکنولوژی و زبان، در سطح خرد - ذهنی: جنبه‌های گوناگون ساخت واقعیت اجتماعی و در سطح خرد - عینی: الگوهای رفتار، کنش و کنش متقابل قرار می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۶۳۸).

۱۲۱

معرفت و علائق بشری

هابرماس در کتاب معرفت و علائق بشری در تلاش است تا ارتباط و وابستگی اشکال معرفت را با منافع و علائق بشری نشان دهد. به همین دلیل نظریه‌ای را در خصوص علائق معطوف به شناخت طرح می‌کند. نقش منافع و علائق بشری در شکل‌گیری معرفت از این واقعیت ناشی می‌شود که انسان در عین حالی که موجودی ابزارساز است، موجودی ناطق هم به حساب می‌آید. انسان‌ها برای آنکه امکان زندگی و بقا را در طبیعت به دست آورند، می‌باید طبیعت و آنچه در آن است را مهار کرده و به‌گونه‌ای تغییر دهند تا از آن در جهت منافع‌شان بهره‌برداری کنند. همچنین انسان‌ها برای آنکه بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، نیاز به نمادهای جمعی یا بین‌الذهانی دارند. «به‌واسطه همین دو جنبه است که تولید معرفت به دو نوع منفعت اساسی برای نوع بشر بدل می‌شود. زیرا که معرفت آدمی را قادر می‌سازد تا نیروها و جریان‌های عینی را اعم از آنکه در عرصه طبیعت باشند یا در قلمرو واقعیت اجتماعی مهار کند و ارتباط میان

اعضای جامعه بشری را استمرار بخشد. اما نقش معرفت در کسب سلطه بر طبیعت و حفظ و گسترش ارتباط نمادین، خود موجد علاقه یا منفعت ثالثی است: کسب خودآگاهی نسبت به مقتضیات حفظ و توسعه حیات بشری که آگاهی از نقش معرفت، خود یکی از آنهاست [...] بدین ترتیب ما در نهایت با سه نوع از منافع و علائق بشری روبه‌رو می‌شویم که هر سه ماهیتی انسان‌شناختی دارند و به‌واقع معرف شیوه‌های تفسیر و سازمان‌دهی تجربه و حیات بشری‌اند. این سه نوع عبارت‌اند از: علائق فنی یا تکنیکی، علائق عملی و علائق رهایی‌بخش (یا علائق معطوف به رهایی). این علائق سه‌گانه به ترتیب در قالب سه رسانه یا ابزار سازمان‌دهی اجتماعی دنبال می‌شود: کار یا کنش ابزاری، تعامل یا ارتباط زبانی و قدرت یا روابط و مناسبات مبتنی بر سلطه و انقیاد. نهایتاً این علائق معطوف به شناخت (ابزاری، عملی و رهایی‌بخش) به میانجی سه رسانه (کار، زبان و قدرت) شرایط ظهور سه شکل خاص از علوم یا معارف سازمان‌یافته را فراهم می‌آورد: علوم تجربی - تحلیلی، علوم تاریخی - هرمنوتیکی و علوم انتقادی» (ابادری، ۱۳۸۷: ۲۸ و ۲۹).

۱. **علوم تجربی - تحلیلی:** معرفتی که در این علوم تولید می‌شود، نتیجه دانش و شناختی است که در بستر زندگی واقعی شکل می‌گیرد. به‌عبارتی دیگر این علوم نتیجه مسائل و مشکلاتی است که در رابطه میان انسان و طبیعت به‌وجود می‌آید و هدف آنها برطرف کردن این مسائل و مشکلات است. برای رسیدن به این هدف لازم است تا نیروها و روندهای طبیعی، تا حد امکان تحت کنترل قرار گرفته و مهار شوند. این امر نیز تنها از طریق پیش‌بینی محقق می‌شود. «علوم تجربی - تحلیلی به یاری روش و مفاهیم فرضی - قیاسی معرفتی را فراهم می‌آورند که تقلید از شرایط طبیعی و تکرارپذیری نتایج و در نتیجه پیش‌بینی و مهار فرآیندهای طبیعی را ممکن می‌کند. نظریه‌های این علوم متشکل از پیوندهای فرضی - قیاسی میان گزاره‌هایی هستند که به ما اجازه می‌دهند تا فرضیه‌هایی را از آنها استنتاج کنیم. فرضیه‌هایی با صورتی قانون‌مند و محتوایی تجربی. این فرضیه‌ها که می‌توان آنها را احکامی در باب تغییرات مشترک وقایع مشاهده‌پذیر دانست، پیش‌بینی نتایج براساس شرایط مفروض اولیه را ممکن می‌کند» (ابادری، ۱۳۸۷: ۴۱). به این ترتیب مشخص می‌شود که اعتبار این علوم، وابسته به مشاهدات عینی و آزمایش است. هابرماس معتقد است این علوم، به‌سادگی در خدمت نظارت سرکوب‌گر قرار می‌گیرند (ریترز، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

۲. **علوم هرمنوتیکی - تاریخی:** معرفت در علوم تجربی - تحلیلی که منجر به تسلط و مهار طبیعت و به‌خدمت‌گرفتن آن می‌شود، معرفتی است که در هر زمان و مکانی از لحاظ معرفت‌شناختی ممکن است. اما «معرفت در علوم هرمنوتیکی وابسته به تجربه بین‌الذهانی گروهی از انسان‌ها است که به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی شرایط خاص خود را دارند. هدف علوم هرمنوتیکی - تاریخی، دستیابی به فهم متقابلی است که در کنش اجتماعی ریشه دارند و این کنش نیز خود در متن معانی و همچنین انگیزه‌ها و اهداف و اعتقادات مشترک بین‌الذهانی تحقق می‌یابد» (ابادری،

۱۳۸۷: ۴۴). اعتبار در این علوم با ارجاع به کنترل تکنیکی فراهم نمی‌شود. همچنین تئوری در این علوم به صورت استقرایی ساخته نشده و از طریق آزمایش و یا مشاهده کنترل نمی‌شود. در این علوم شناخت از طریق فهم معانی به وسیله تفسیر متون صورت می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۱۰). به عقیده هابرماس این دسته از علوم نه سرکوب‌گرند و نه آزادی‌بخش (ریترز، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

۳. علوم انتقادی: به عقیده هابرماس علوم هرمنوتیکی - تاریخی به انحرافات که به واسطه سلطه، ممکن است بر فهم معانی و بر تفسیر مفسر تأثیر بگذارد، توجهی ندارند. از آنجا که هابرماس به دنبال رهایی بشر و امیدوار رسیدن به جامعه‌ای عقلانی و عاری از هرگونه سلطه است، به علوم دسته سوم اشاره می‌کند که در پی تحقق این اهداف هستند. او برای روشن کردن نقش سرکوبگر و تحریف‌کننده ایدئولوژی، از الگوی روانکاوی فروید استفاده می‌کند. فروید با استفاده از روانکاوی در صدد بود تا روابط مخدوش، تحریف و سرکوب‌شده آگاهی فرد را روشن کرده و بیمار را به خودآگاهی برساند. به عقیده هابرماس، عاملی که باعث ترغیب انسان‌ها به خودآگاهی و خودتأملی می‌شود، علائق رهایی‌بخش هستند. «تأکید بر تأمل در نفس، مبین آن است که در قیاس با علائق فنی و عملی، علائق رهایی‌بخش مستلزم پیوند نزدیک تری میان معرفت و زندگی هستند. افراد از طریق تأمل در نفس است که می‌توانند نسبت به نیروهایی که به صورتی پنهان و مضمّر زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، وقوف یابند. [...] هدف علوم انتقادی آن است که فرآیند تأمل در نفس روش‌مند را تسهیل کنند و موانعی را که راه رشد خودآگاهی را مسدود کرده‌اند، کنار زنند» (ریترز، ۱۳۸۳: ۵۸). به این ترتیب با توجه به این توضیحات و با استفاده از نظریه هابرماس می‌توان روش‌های تحقیق را این‌گونه تفکیک کرد:

۱. روش‌های مشاهده، آزمایش، مقایسه و مصاحبه، جزء معرفت تجربی - تحلیلی؛
۲. روش‌های درون‌نگری همدلانه، تحلیل محتوا، هرمنوتیک و تحلیل گفتمانی، جزء معرفت هرمنوتیکی - تاریخی؛ و
۳. روش‌های تبارشناسی و تحلیل گفتمان انتقادی، نشانه‌شناسی انتقادی و هرمنوتیک انتقادی، جزء روش‌های علوم انتقادی به حساب می‌آیند.

روش تحقیق

از آنجا که هدف از این تحقیق، بررسی پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی و شناخت موضوعات و روش‌های به کار رفته در آنها است، مشخص می‌شود که روش مورد استفاده در این تحقیق روش اسنادی و جزء روش‌های کیفی می‌باشد. به این ترتیب، این تحقیق با مراجعه به مخازن کتابخانه‌های دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی و بررسی پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی پس از انقلاب اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی موجود در مخازن کتابخانه‌های دانشکده‌های علوم اجتماعی ایران از بعد از انقلاب تاکنون می‌باشد.

نمونه آماری

در این تحقیق از نمونه‌گیری قضاوتی یا تعمدی، که یکی از انواع نمونه‌گیری غیراحتمالی است، استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، نمونه با توجه به صلاح‌دید محقق و براساس منطق او انتخاب می‌شود (سرای، ۱۳۸۸: ۱۱). به همین جهت کلیه پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی در دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۸ به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار می‌گیرند. این انتخاب به این دلیل صورت گرفت که این دو دانشکده، از اولین و مهم‌ترین دانشکده‌هایی بودند که جامعه‌شناسی به عنوان رشته‌ای مستقل وارد آنها شده است و به همین جهت، می‌توانند معرف مناسبی برای کلیه دانشکده‌های علوم اجتماعی در کشور باشند. در خصوص نمونه انتخاب‌شده، گفتنی است که هر چند پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۷ موجودند، اما اولین پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۷۳ دفاع شده است. به این ترتیب مقطع زمانی مورد بررسی در دانشگاه تهران بیشتر و از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ بوده اما در دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۸ می‌باشد.

شایان ذکر است که برای بررسی پایان‌نامه‌های این دو دانشگاه، نمونه‌گیری دیگری صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، همه پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این شیوه، یعنی عدم نمونه‌گیری در این مرحله، از چندین مزیت برخوردار است. اول اینکه محقق از این طریق می‌تواند به همه پایان‌نامه‌ها در دو دانشگاه دسترسی و به این ترتیب تسلط کامل‌تری بر آنها داشته باشد. دوم اینکه از این طریق می‌توان برخی از پایان‌نامه‌هایی را که ممکن است از لحاظ برخی ویژگی‌های مورد بررسی از تعداد بسیار کمی برخوردار باشند نیز پوشش داده و به حساب آورد که در غیر این صورت ممکن بود در صورت نمونه‌گیری وارد نشده و مورد بررسی قرار نگیرند.

تعریف مفاهیم

برای روشن شدن مفاهیم اصلی مورد استفاده در این تحقیق، لازم است که توضیحی در خصوص آنها داده شود تا خواننده و مخاطب بتواند به منظور محقق از این مفاهیم پی ببرد.

تعریف نظری موضوع پایان‌نامه: منظور از موضوع، مسئله اصلی است که یک پایان‌نامه به بررسی و تحقیق در آن زمینه می‌پردازد. در حقیقت، این موضوع، محور اصلی پایان‌نامه بوده و هدف پایان‌نامه، کسب شناخت در آن زمینه است.

تعریف عملیاتی موضوع پایان‌نامه: برای شناخت موضوع یک پایان‌نامه در این تحقیق، به بررسی عنوان تحقیق، طرح مسئله، اهداف تحقیق و فرضیات آن می‌پردازیم. به این ترتیب، مسئله اصلی را به‌عنوان موضوع آن در نظر می‌گیریم. به‌عنوان مثال این موضوعات می‌توانند در خصوص خانواده، دولت، شغل، کنش‌های متقابل، توسعه و... باشند. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، برای بخش موضوعات از نظریه سطوح واقعیت اجتماعی استفاده می‌کنیم. به‌همین دلیل تلاش می‌شود تا تعریف عملیاتی موضوعات تا حد امکان نزدیک به تعاریف این نظریه از موضوعات مختلف باشد. به‌همین دلیل موضوعات را در چهار دسته قرار می‌دهیم:

موضوعات سطح خرد: در طول بررسی موضوعاتی را که در سطح خرد واقعیت اجتماعی قرار دارند را در این دسته قرار خواهیم داد. موضوعاتی که مربوط به کنشگران فردی، اندیشه‌ها و ذهنیت‌شان و کنش‌ها و کنش‌های متقابل آنها می‌باشند جزء این دسته هستند.

موضوعات سطح کلان: در صورتی که موضوعات فراتر از سطح فردی باشند، آنها را در سطح کلان واقعیت اجتماعی طبقه‌بندی خواهیم کرد. موضوعاتی از قبیل جوامع، نظام‌های جهانی همچون سرمایه‌داری، فرهنگ‌ها و ... جزء این دسته از موضوعات به‌حساب می‌آیند.

موضوعات عینی: چنانچه موضوعی عینیت یافته بوده و شامل واقعیت‌های عینی، ملموس و مادی قابل مشاهده باشد، آن را جزء موضوعات عینی قرار می‌دهیم. برای مثال کنشگران و کنش‌هایشان و ادارات و سازمان‌ها را می‌توان پدیده‌های عینی دانست.

موضوعات ذهنی: همچنین موضوعاتی را که صرفاً در سطح ذهنی و یا در قلمرو افکار وجود دارند به‌عنوان موضوعات ذهنی طبقه‌بندی می‌کنیم. موضوعاتی همچون برساخته‌شدن واقعیت، هنجارها و ارزش‌ها، جزء این دسته از موضوعات‌اند.

تعریف نظری روش تحقیق: منظور شیوه‌ای است که یک پایان‌نامه برای رسیدن به اهدافش از آن استفاده می‌کند و عمدتاً در بخش روش‌شناسی در خصوص آن توضیح داده می‌شود. **تعریف عملیاتی روش‌های تحقیق:** در این بخش روش‌های تحقیق را بر اساس تئوری‌ها بر ماس در سه دسته قرار می‌دهیم.

روش‌های تجربی - تحلیلی: در صورتی که روش‌ها عمدتاً از مشاهده عینی واقعیت، که عمدتاً در علوم تجربی کاربرد دارند، استفاده کرده باشند، آنها را در این دسته قرار خواهیم داد. روش‌هایی همچون مشاهده، مصاحبه و آزمایش از این جمله‌اند.

روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی: روش‌هایی را که در صدد فهم مسئله آن هم به‌صورت تاریخی هستند را در این دسته طبقه‌بندی خواهیم کرد. از طریق این روش‌ها، تلاش می‌شود تا به فهم معانی به وسیله تفسیر متون دست‌یازیده شود. روش‌هایی همچون تحلیل محتوا، هرمنوتیک و تحلیل گفتمان در این دسته از روش‌ها قرار می‌گیرند.

روش‌های انتقادی: روش‌هایی را که در صدد فهم سلطه و رهایی از آن هستند و یا به‌دنبال نشان دادن انحرافات هستند که در فهم ما از جامعه و فهم جامعه از خود وجود دارد در این دسته

قرار خواهیم داد. روش‌هایی همچون تحلیل گفتمان انتقادی، تبارشناسی، نشانه‌شناسی انتقادی و هرمنوتیک انتقادی در این دسته قرار می‌گیرند.

تعریف نظری رابطه موضوعات و روش‌ها: منظور از رابطه موضوعات و روش‌ها چگونگی هم‌آیی آنها در پایان‌نامه‌ها می‌باشد. به عبارتی دیگر چه موضوعاتی با چه روش‌هایی در پایان‌نامه‌ها همراه شده‌اند؟

تعریف عملیاتی رابطه موضوعات و روش‌ها: برای بررسی رابطه موضوعات و روش‌های به‌کاررفته پایان‌نامه‌ها، پس از مشخص کردن فراوانی موضوعات و روش‌ها، هر دسته از موضوعات را در یک جدول در ارتباط با سه دسته از روش‌های مشخص شده قرار می‌دهیم. از آنجا که موضوعات مورد استفاده را در چهار دسته و روش‌های تحقیق را در سه دسته توزیع می‌کنیم، در نتیجه ۱۲ حالت متفاوت برای هم‌آیی موضوعات با روش‌ها به‌وجود می‌آید.

تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق به نوعی از تحلیل محتوای مضمونی استفاده می‌شود. به عبارتی دیگر، پس از مشخص کردن چارچوب مفهومی و تعریف و تعیین مقولات، به پایان‌نامه‌ها مراجعه کرده و با تحلیل مضمون بخش‌های مربوط، مقولات موردنظر را استخراج کرده و در طبقات مربوط قرار می‌دهیم.

۱۲۶

اعتبار

برای افزایش اعتبار در این تحقیق، خود محقق مستقیماً به پایان‌نامه‌ها مراجعه کرده و به استخراج داده‌ها می‌پردازد. برای استخراج موضوع مورد بررسی در پایان‌نامه‌ها، علاوه بر بررسی عنوان، به بخش‌های طرح مسئله، اهداف و فرضیات نیز می‌پردازیم تا از این طریق معیار معتبرتری برای تشخیص موضوعات مورد بررسی در پایان‌نامه داشته باشیم. در خصوص روش‌های تحقیق و برای استخراج روش تحقیق به‌کار رفته در پایان‌نامه‌ها، به بخش روش‌شناسی هر پایان‌نامه مراجعه می‌شود و این بخش به‌طور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این با بررسی‌های صورت‌گرفته در خصوص چارچوب مفهومی و منظور و مقصود نظریه‌پردازانی که ما از نظرات آنها به‌عنوان چارچوب مفهومی استفاده کرده‌ایم، همچنین با مشخص کردن دقیق هر مفهوم و معنای آن، سعی شد تا امکان تقسیم‌بندی صحیح موضوعات و روش‌های تحقیق مورد استفاده در پایان‌نامه‌های مورد بررسی را فراهم کنیم. همچنین از نظرات دیگر محققان در خصوص مناسب‌بودن شیوه تقسیم‌بندی موضوعات و روش‌ها استفاده گردید.

پایایی

معمولاً در تحقیقات کیفی پایایی به‌سختی به‌دست می‌آید و همواره نسبت به تحقیقات کمی تحقیقات کیفی از روایی کمتری برخوردارند. اما از آنجایی که در این تحقیق تلاش شده است

کپس از انتخاب دو دانشگاه، همه پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی موجود در آنها مورد بررسی قرار بگیرد، به‌همین دلیل مسائلی که ممکن بود در نتیجه نمونه‌گیری در این قسمت به‌وجود بیاید، در این تحقیق وجود ندارد. اما علاوه بر این برای سنجش پایایی در این تحقیق از روش آزمون - آزمون مجدد استفاده می‌شود. از این‌رو پس از جمع‌آوری داده‌ها و توزیع آنها بر اساس چارچوب مفهومی، یک بار دیگر به پایان‌نامه‌ها مراجعه کرده، اما این بار فقط ۲۰ درصد آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در نتیجه از فرمول زیر استفاده خواهیم کرد:

$$c.r = 2M / N_1 + N_2$$

N_1 تعداد موارد در بررسی اول

N_2 تعداد موارد در بررسی دوم

M موارد مورد توافق (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

از مجموع ۵۳۶ پایان‌نامه همان‌طور که قبلاً گفته شد ۲۰ درصد آنها یعنی ۱۰۷ مورد، مورد بررسی مجدد قرار گرفتند و نتایج زیر به‌دست آمدند.

در بخش روش‌های تحقیق

$$c.r = 2 \times 107 / 107 + 107 = 1$$

در بخش موضوعات

$$2 \times 95 / 107 + 107 = 0.88$$

به این ترتیب مشخص می‌شود این تحقیق در بخش روش‌ها از پایایی کامل برخوردار است اما در بخش موضوعات پایایی کمتری دارد.

نمونه‌ای از توزیع موضوعات میان چهار سطح ذهنی - خرد، ذهنی - کلان، عینی - خرد و عینی - کلان در این قسمت نمونه‌ای از شیوه توزیع موضوعات بر اساس نظریه سطوح واقعیت اجتماعی جورج ریتزر در میان چهار سطح ذهنی - خرد، ذهنی - کلان، عینی - خرد و عینی - کلان را پس از جمع‌آوری داده‌ها ارائه می‌دهیم تا به فهم خواننده در خصوص چگونگی تقسیم‌بندی موضوعات کمک کنیم.

نمونه‌هایی از موضوعات عینی - کلان

- رشد جمعیت در ایران و نیازهای ناشی از آن
- بررسی رشد شهرنشینی در سرخس
- مسکن شهری و نقش سازمان زمین شهری در حل مشکل مسکن
- پدیده جنگ و پیامدهای آن با تأکید بر ابعاد جمعیتی جنگ ایران و عراق

نمونه‌هایی از موضوعات عینی - خرد

- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان اسلام‌شهر

- بررسی وضعیت خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن در شهرکرد
- بررسی علل و عوامل مؤثر بر ارتکاب به قتل عمد در استان لرستان
- بررسی علل و عوامل مؤثر بر اقدام به خودکشی زنان در منطقه گنبدکاووس

نمونه‌هایی از موضوعات ذهنی - کلان

- بررسی مفهوم غربزدگی در آثار جلال آل احمد
- مختصات فرهنگ سیاسی جوانان تبریز
- تغییرات فرهنگی در استان لرستان
- ایدئولوژی‌های حاکم بر برنامه اول و دوم توسعه

نمونه‌هایی از موضوعات ذهنی - خرد

- صورت‌بندی هویت جدید و تغییر نگرش زنان نسبت به احکام رسانه‌ای
- خود اجتماعی (بررسی وضعیت خوداجتماعی در میان دانشجویان و طلاب حوزه‌ها)
- بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران
- بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

اولین پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، در سال ۱۳۷۳ دفاع شده است. با توجه به این موضوع، در مجموع تا زمان جمع‌آوری اطلاعات، ۱۸۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در این دانشکده وجود داشته است. اما از آنجایی که یکی از پایان‌نامه‌ها مفقود شده بود، تنها ۱۸۴ پایان‌نامه مورد بررسی قرار گرفت.

جداول زیر نتایج به‌دست آمده از بررسی موضوعات به‌کار رفته در پایان‌نامه‌ها را از نظر ذهنی یا عینی و خرد یا کلان بودن آنها و همچنین از نظر توزیع آنها میان سطوح چهارگانه ذهنی خرد، ذهنی کلان، عینی خرد و عینی کلان در دانشگاه علامه طباطبایی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱-۱: توزیع موضوعات در دو سطح ذهنی و عینی

موضوعات	ذهنی	عینی	جمع کل
تعداد	۱۰۸	۷۶	۱۸۴
درصد	۵۸/۶۹	۴۱/۳۱	۱۰۰

جدول شماره ۱-۲: توزیع موضوعات در دو سطح خرد و کلان

موضوعات	خرد	کلان	جمع کل
تعداد	۱۰۷	۷۷	۱۸۴
درصد	۵۸/۱۵	۴۱/۸۵	۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشخص است، از ۱۸۴ پایان‌نامه، ۱۰۸ مورد یعنی ۵۸/۶۹ درصد آنها موضوعاتی در سطح ذهنی و ۷۶ پایان‌نامه یعنی ۴۱/۳۱ درصد آنها از موضوعات عینی استفاده کرده‌اند. همچنین ۱۰۷ مورد از پایان‌نامه‌ها یعنی ۵۸/۱۵ درصد آنها دارای موضوعاتی در سطح خرد و ۷۷ مورد یعنی ۴۱/۸۵ درصد آنها در سطح کلان بوده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده علاقه بیشتر به موضوعات ذهنی و همچنین موضوعات سطح خرد در این پایان‌نامه‌ها است. در مقابل گرایش کمتری به موضوعات عینی و موضوعات سطح کلان وجود دارد.

جدول شماره ۳-۱:

توزیع موضوعات در چهار سطح ذهنی خرد، ذهنی کلان، عینی خرد، عینی کلان

موضوعات	ذهنی خرد	ذهنی کلان	عینی خرد	عینی کلان	جمع کل
تعداد	۵۸	۵۰	۴۹	۲۷	۱۸۴
درصد	۳۱/۵۲	۲۷/۱۸	۲۶/۶۳	۱۴/۶۷	۱۰۰

به این ترتیب، ۵۸ مورد از ۱۸۴ مورد پایان‌نامه مورد بررسی یعنی ۳۱/۵۲ درصد آنها به موضوعات ذهنی - خرد و ۵۰ مورد آنها یعنی ۲۷/۱۸ درصد آنها به موضوعات ذهنی - کلان و ۴۹ مورد یعنی ۲۶/۶۳ درصد به موضوعات عینی - خرد و نهایتاً ۲۷ مورد یعنی ۱۴/۶۷ درصد آنها در سطح عینی - خرد قرار داشتند. این نتایج نشان‌دهنده علاقه و گرایش بیشتر به موضوعات ذهنی خرد در پایان‌نامه‌ها است. همچنین کمترین گرایش به موضوعات عینی - کلان بوده و موضوعات ذهنی - کلان و عینی - خرد در وسط قرار دارند.

روش‌های به کار رفته در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

با بررسی روش‌های تحقیق به کار رفته در پایان‌نامه‌ها به نتایج زیر دست پیدا کردیم که ابتدا آن را بر روی جدول نشان داده و سپس به توضیح آن می‌پردازیم.

جدول شماره ۱-۴: توزیع روش‌های تحقیق تجربی - تحلیلی، تاریخی - هرمنوتیکی و انتقادی

روش	تجربی - تحلیلی	تاریخی-هرمنوتیکی	انتقادی	جمع کل
تعداد	۱۳۱	۵۲	۱	۱۸۴
درصد	۷۱/۱۹	۲۸/۲۶	۰/۵۵	۱۰۰

همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شد، نتایج به‌دست آمده حاکی از اختلاف زیاد بین سه دسته از روش‌های مطرح شده است. از میان ۱۸۴ پایان‌نامه مورد بررسی ۱۳۱ مورد، یعنی ۷۱/۱۹ درصد آنها از روش‌های تجربی - تحلیلی، ۵۲ مورد یعنی ۲۸/۲۶ درصد از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی و تنها یک مورد یعنی ۰/۵۵ درصد از روش‌های انتقادی استفاده کرده بودند. به این ترتیب نتایج نشان‌دهنده گرایش شدید به روش‌های تجربی - تحلیلی بوده و این روش‌ها در حال حاضر بر پایان‌نامه‌های این دانشکده غلبه دارد. روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی نیز پس از آنها قرار می‌گیرند. اما شاید جالب‌ترین نتیجه، در خصوص روش‌های انتقادی باشد که نشان‌دهنده ضعف اساسی در استفاده از این روش‌ها است.

رابطه موضوعات و روش‌های تحقیق در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی در این بخش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که چه موضوعاتی با چه روش‌هایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به همین جهت موضوعات را در چهار دسته کلی ذهنی، عینی، خرد و کلان بررسی کرده و سپس به رابطه این موضوعات با روش‌های تحقیق می‌پردازیم.

جدول شماره ۱-۵: رابطه موضوعات و روش‌ها

موضوعات	روش‌ها			
	تعداد	تجربی-تحلیلی	تاریخی-هرمنوتیکی	انتقادی
موضوعات ذهنی	۷۷	۳۰	۱	۱۰۸
	درصد	۷۱/۳۰	۲۷/۷۷	۰/۹۳
موضوعات عینی	۵۴	۲۲	۰	۷۶
	درصد	۷۱/۰۶	۲۸/۹۴	۰
موضوعات خرد	۹۴	۱۳	۰	۱۰۷
	درصد	۸۷/۸۵	۱۲/۱۵	۰
موضوعات کلان	۳۷	۳۹	۱	۷۷
	درصد	۴۸/۰۵	۵۰/۶۵	۱/۳۰

با توجه به جدول بالا مشخص می‌شود که موضوعات ذهنی، عینی و خرد همگی عمدتاً با روش‌های تجربی - تحلیلی صورت گرفته‌اند، هرچند استفاده از این روش در سطح خرد به میزان بیشتری یعنی ۸۷/۸۵ درصد است. به‌علاوه تنها موضوعات سطح کلان هستند که در آنها بیشتر از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی استفاده شده است. به این ترتیب، می‌توان گفت شرایط خاص تحقیقات کلان، محققان را به سمت استفاده از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی هدایت کرده و محققان، به محدودیت‌های استفاده از روش‌های تجربی - تحلیلی در موضوعات کلان واقف بوده‌اند. همچنین در موضوعات عینی و خرد، هیچ تحقیقی با استفاده از روش‌های انتقادی صورت نگرفته است. در مقابل تنها تحقیقاتی در سطح ذهنی و سطح کلان بوده‌اند که از روش‌های انتقادی استفاده کرده‌اند.

پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

در این بخش به بررسی موضوعات و روش‌های به‌کاررفته در پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و رابطه آنها می‌پردازیم. این پایان‌نامه‌ها ۳۵۵ مورد بودند که سه مورد آنها فاقد تاریخ دفاع بوده و در نتیجه از چرخه بررسی ما خارج شدند و به این ترتیب این بررسی در دانشگاه تهران، بر روی ۳۵۲ پایان‌نامه که در مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ دفاع شده‌اند، انجام می‌شود. لازم به‌ذکر است که برخلاف دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، که در آن پایان‌نامه‌ها بر اساس رشته و به‌صورت شماره‌های ترتیبی دسته‌بندی شده بودند، متأسفانه پایان‌نامه‌های موجود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بدون هیچ‌گونه تفکیکی در یک‌جا نگهداری می‌شدند. به‌همین جهت ما مجبور به تفکیک ۳۵۵ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی از میان بیش از ۴۰۰۰ پایان‌نامه شدیم. به این ترتیب هرچند می‌توان با اطمینان گفت تمام پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی موجود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما چنین چیزی را نمی‌توان در خصوص پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی موجود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران گفت. به این جهت، اخلاق علمی ایجاب می‌کند تا خواننده را از احتمال خطای محقق در جستجو و یافتن پایان‌نامه‌های موجود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران باخبر کنیم.

جداول زیر نتایج به‌دست آمده از بررسی موضوعات به‌کاررفته در پایان‌نامه‌ها را از نظر ذهنی یا عینی و خرد یا کلان‌بودن آنها و همچنین از نظر توزیع آنها میان سطوح چهارگانه ذهنی - خرد، ذهنی - کلان، عینی - خرد و عینی - کلان در دانشگاه تهران نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲-۱: توزیع موضوعات در دو سطح ذهنی و عینی

موضوعات	ذهنی	عینی	جمع کل
تعداد	۱۸۰	۱۷۲	۳۵۲
درصد	۵۱/۱۴	۴۸/۸۶	۱۰۰

جدول شماره ۲-۲: توزیع موضوعات در دو سطح خرد و کلان

موضوعات	خرد	کلان	جمع کل
تعداد	۱۷۲	۱۸۰	۳۵۲
درصد	۴۸/۸۶	۵۱/۱۴	۱۰۰

با توجه به جدول بالا مشخص می‌شود که از مجموع ۳۵۲ پایان‌نامه، ۱۸۰ مورد یعنی ۵۱/۱۴ درصد آنها مربوط به موضوعات ذهنی و ۱۷۲ مورد یعنی ۴۸/۸۶ درصد مربوط به موضوعات عینی بوده‌اند. به این ترتیب هرچند توزیع تقریباً برابری بین موضوعات از لحاظ ذهنی یا عینی بودن آنها وجود داشته است، اما موضوعات ذهنی از میزان بیشتری برخوردار بودند. همچنین از مجموع ۳۵۲ پایان‌نامه، ۱۷۲ مورد یعنی ۴۸/۸۶ درصد در سطح خرد و ۱۸۰ مورد یعنی ۵۱/۱۴ درصد آنها در سطح کلان قرار داشتند. در این مورد نیز هرچند تمایل بیشتری به موضوعات سطح کلان وجود داشته اما تفاوت چندانی بین میزان این سطح و سطح کلان وجود ندارد.

جدول شماره ۲-۳:

توزیع موضوعات در چهار سطح ذهنی خرد، ذهنی کلان، عینی خرد، عینی کلان

موضوعات	ذهنی خرد	ذهنی کلان	عینی خرد	عینی کلان	جمع کل
تعداد	۸۳	۹۷	۸۹	۸۳	۳۵۲
درصد	۲۳/۵۸	۲۷/۵۶	۲۵/۲۸	۲۳/۵۸	۱۰۰

از مجموع ۳۵۲ پایان‌نامه، بیشترین موضوعات به ترتیب به سطوح ذهنی - کلان با ۲۷/۵۶ درصد، عینی - خرد با ۲۵/۲۸ درصد تعلق داشته و موضوعات ذهنی خرد و عینی کلان هر دو با ۲۳/۵۸ درصد از میزان کمتری برخوردار بوده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی این دانشگاه، توزیع نسبتاً برابری در میان موضوعات مختلف داشته است.

جدول شماره ۲-۴: توزیع روش‌های تجربی تحلیلی، تاریخی هرمنوتیکی، انتقادی

روش	تجربی- تحلیلی	تاریخی- هرمنوتیکی	انتقادی	جمع کل
تعداد	۲۴۰	۱۰۹	۳	۳۵۲
درصد	۶۸/۱۸	۳۰/۹۷	۰/۸۵	۱۰۰

از مجموع ۳۵۲ پایان‌نامه، ۲۴۰ مورد آنها یعنی ۶۸/۱۸ درصد از روش‌های تجربی - تحلیلی و ۱۰۹ مورد آنها یعنی ۳۰/۹۷ درصد آنها از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی استفاده کرده بودند. در این میان تنها ۳ پایان‌نامه یعنی ۰/۸۵ درصد از روش‌های انتقادی استفاده کرده بودند. به این ترتیب غلبه روش‌های تجربی - تحلیلی و ضعف روش‌های انتقادی در پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی این دانشگاه مشهود است.

جدول شماره ۲-۵: رابطه موضوعات و روش‌های تحقیق

موضوعات	روش‌ها			
	تجربی- تحلیلی	تاریخی- هرمنوتیکی	انتقادی	جمع کل
موضوعات ذهنی	تعداد	۶۴	۳	۱۸۰
	درصد	۳۵/۵۵	۱/۶۷	۱۰۰
موضوعات عینی	تعداد	۴۵	۰	۱۷۲
	درصد	۲۶/۱۶	۰	۱۰۰
موضوعات خرد	تعداد	۲۷	۱	۱۷۲
	درصد	۱۵/۷۰	۰/۵۸	۱۰۰
موضوعات کلان	تعداد	۸۲	۲	۱۸۰
	درصد	۴۵/۵۶	۱/۱	۱۰۰

همان‌طور که در جدول بالا مشخص است از ۱۸۰ مورد موضوعات ذهنی، ۱۱۳ مورد یعنی ۶۲/۷۸ درصد آنها از روش‌های تجربی - تحلیلی، ۶۴ مورد یعنی ۳۵/۵۵ درصد از آنها از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی و ۳ مورد یعنی ۱/۶۷ درصد از روش‌های انتقادی استفاده کرده بودند. همچنین از ۱۷۲ مورد موضوعات عینی، ۱۲۷ مورد یعنی ۷۳/۸۴ درصد از روش‌های تجربی - تحلیلی و ۴۵ مورد یعنی ۲۶/۱۶ درصد از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی استفاده کرده بودند، اما هیچ‌کدام از روش‌های انتقادی استفاده نکردند. در سطح موضوعات خرد از ۱۷۲ مورد، ۱۴۴ مورد یعنی ۸۳/۷۲ درصد از روش‌های تجربی - تحلیلی، ۲۷ مورد یعنی ۱۵/۷۰ درصد از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی و یک مورد یعنی ۰/۵۸ درصد از روش‌های انتقادی استفاده کرده بودند. از ۱۸۰ مورد موضوعات کلان، ۹۶ مورد یعنی ۵۳/۳۳ درصد از روش‌های

تجربی - تحلیلی، ۸۲ مورد یعنی ۴۵/۵۶ درصد از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی و دو مورد یعنی ۱/۱ درصد از روش‌های انتقادی استفاده کرده بودند. با توجه به ارقام فوق مشخص می‌شود که روش‌های تجربی - تحلیلی در همه موضوعات غلبه داشته‌اند. اما بیشترین استفاده از این روش‌ها، به ترتیب در موضوعات خرد با ۸۳/۷۲ درصد و موضوعات عینی با ۷۳/۸۴ درصد بوده و پس از آن در موضوعات ذهنی و کلان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی نیز بیش از همه در موضوعات کلان با ۴۵/۵۵ درصد مورد استفاده بوده و پس از آن در موضوعات ذهنی و عینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین در موضوعات خرد، روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی بسیار کمتر از دیگر موضوعات مورد استفاده قرار گرفته است. اما در خصوص روش‌های انتقادی، همان‌طور که از جدول پیداست، این روش‌ها بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در هر صورت بیشترین استفاده از این روش‌ها به ترتیب در موضوعات ذهنی با ۱/۶۷ درصد و موضوعات کلان با ۱/۱ درصد بوده و پس از آن در موضوعات خرد از آنها استفاده شده است. در موضوعات عینی نیز هیچ تحقیقی با استفاده از روش‌های انتقادی صورت نگرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد، مشخص می‌شود که هرچند گرایش بیشتری به موضوعات ذهنی در هر دو دانشگاه وجود دارد، اما توزیع بین سطوح عینی و ذهنی در موضوعات پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، متناسب‌تر از دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. به عبارت دیگر در دانشگاه علامه طباطبایی، گرایش بیشتری به موضوعات ذهنی وجود داشته است. همچنین در خصوص خرد یا کلان بودن موضوعات، دو دانشگاه با هم متفاوت بودند. به این معنی که در دانشگاه تهران، گرایش بیشتری به موضوعات کلان و در دانشگاه علامه طباطبایی، گرایش بیشتری به موضوعات خرد وجود داشته است. البته در این مورد نیز موضوعات توزیع مناسب و نسبتاً برابری بین سطوح خرد و کلان در دانشگاه تهران داشته‌اند. اما در دانشگاه علامه طباطبایی، گرایش به سمت موضوعات خرد، موجب کاهش موضوعات سطح کلان شده است. همچنین توزیع موضوعی پایان‌نامه‌ها از لحاظ چهار دسته موضوعات ذهنی - خرد، ذهنی - کلان، عینی - خرد و عینی - کلان در دانشگاه تهران متناسب‌تر از دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. به عبارت دیگر در دانشگاه تهران، پایان‌نامه‌ها پوشش مناسب و تقریباً برابری بر موضوعات داشته‌اند، اما در دانشگاه علامه طباطبایی، این توزیع نابرابرتر بوده است. به علاوه علاقه بیش از اندازه به موضوعات ذهنی خرد تا حدی موجب غفلت از موضوعات عینی کلان در این دانشگاه شده است. از لحاظ روش‌های به کاررفته در پایان‌نامه‌ها، هر دو دانشگاه عمدتاً از روش‌های تجربی - تحلیلی استفاده کرده‌اند و ضعف استفاده از روش‌های هرمنوتیکی به‌ویژه روش‌های انتقادی در هر دو دانشگاه دیده می‌شود.

هر چند دانشگاه علامه طباطبایی از این نظر در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارد. استفاده یک پایان‌نامه از ۱۸۴ پایان‌نامه در دانشگاه علامه طباطبایی و تنها سه پایان‌نامه از ۳۵۲ پایان‌نامه در دانشگاه تهران از روش‌های انتقادی آن هم تنها در چند سال اخیر، نشانه کمبود و ضعف در استفاده از روش‌های انتقادی است.

از لحاظ رابطه موضوعات و روش‌ها، در دانشگاه علامه طباطبایی، غیر از موضوعات عینی - کلان که عمدتاً با استفاده از روش‌های تاریخی - هرمنوتیکی صورت گرفته‌اند و البته انتخاب مناسب و عقلانی است، بقیه موضوعات اکثراً با استفاده از روش‌های تجربی - تحلیلی انجام شده‌اند. این امر بیانگر این مسئله است که اکثر انتخاب‌های این دانشگاه، نه براساس نوع موضوع و نه براساس شرایط تحقیق بلکه برحسب عادت و اکثراً بدون منطق خاصی صورت می‌گیرند. اما در دانشگاه تهران، وضع از این هم نامناسب‌تر بوده است. به این معنی که همه موضوعات ذهنی - خرد، ذهنی - کلان و عینی - خرد و عینی - کلان عمدتاً با استفاده از روش‌های تجربی - تحلیلی صورت گرفته‌اند. به این ترتیب، متأسفانه با استفاده ۷۱/۱۹ درصد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و ۶۸/۱۸ درصد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران از روش‌های تجربی - تحلیلی، مشخص می‌شود که هم‌اکنون یکسان‌سازی در سطح بالایی در تحقیقات اجتماعی با استفاده از این روش‌ها صورت گرفته است و بدیهی است که کسانی که از یک راه مشابه برای رسیدن به یک هدف استفاده می‌کنند اندیشه‌های یکسانی نیز خواهند یافت.

با توجه به شرایطی که توصیف شد، ممکن است ظرفیت‌های نوآوری و تنوع و ساختار شکنی در تحقیقات اجتماعی از بین رفته و در مواقعی روش‌های خاص تبدیل به بت شوند. به علاوه از آنجایی که روش‌های تجربی - تحلیلی آزادی کمتری برای محقق فراهم می‌کنند و یا به عبارت دیگر تمام قواعد و الگوها در این روش‌ها از پیش تعریف شده‌اند و از طرف دیگر اکثریت تحقیقات صورت گرفته از این روش‌ها استفاده کرده‌اند، پس می‌توان گفت سلطه این روش‌ها موجب کاهش آزادی محققان شده است. همچنین از آنجایی که یکی از ملزومات نوآوری و خلاقیت، آزادی است، در نتیجه می‌توان گفت متأسفانه تاکنون بسیاری از ظرفیت‌های نوآوری و خلاقیت در این تحقیقات از بین رفته‌اند. به این ترتیب، یکسان‌سازی و همگون‌سازی اندیشه‌ها در تحقیقات جامعه‌شناسی از طریق روش‌های تحقیق صورت گرفته است.

مسئله دیگر این است که زمانی که بعضی از روش‌ها عمومیت یافته و مورد توجه بسیار قرار می‌گیرند، دیگر تحقیقاتی که از روش‌هایی غیر از این روش‌های مسلط استفاده کرده‌اند، گاهی بی‌اعتبار تلقی می‌شوند. چون با جریان مسلط و مقبول متفاوت‌اند. همچنین با توجه به نظریه هابرماس و اطلاعات به دست آمده، می‌توان گفت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد مورد بررسی در این تحقیق بیشتر گرایش به سمت علائق فنی - تکنیکی داشته‌اند و از لحاظ علائق‌رهای بخشی بسیار ضعیف‌اند. به این ترتیب، ضعف اندیشه‌ها و روش‌های انتقادی در

پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی، به‌وضوح قابل مشاهده است و در نتیجه پیامدهایی همچون هم‌رنگی، عدم پویایی و عدم ساختارشکنی قابل پیش‌بینی است. عوامل متعددی ممکن است در این امر تأثیر داشته باشند، اما به وضوح یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری این شرایط، دانشگاه‌ها و جو علمی حاکم بر آنها است. در حال حاضر دانشگاه‌ها با تشکیل ساختارها، الگوها و قواعد خاص و انتقال آنها به دانشجویان و در مواردی با ملزم کردن آنان به رعایت این الگوها، مانعی برای شکل‌گیری و پرورش اندیشه‌ها و روش‌های نو هستند. در چنین شرایطی، یک الگو به‌عنوان الگوی علمی تلقی شده و همه الگوهای دیگر به علت عدم هم‌خوانی با الگوی جاافتاده، غیرعلمی تلقی می‌شوند. به این ترتیب، شرایط حاکم بر تحقیقات جامعه‌شناسی در دانشگاه‌ها، موجب شکل‌گیری محافظه‌کاری علمی، ترویج اخلاق پیروی و انفعال‌گرایی در میان دانشجویان می‌شود. این وضعیت همچنین موجب می‌شود که حتی معدود کسانی نیز که در تلاش‌اند تا سخنی نو گفته یا از روشی نو استفاده کنند، با ساختاری سخت و الگوهای از پیش تعریف شده روبه‌رو شده و ناکام بمانند. این در حالی است که نوآوری، یکی از اصلی‌ترین عوامل در پیشرفت علمی تلقی می‌شود. اما در حال حاضر، دانشگاه‌ها تبدیل به کارخانه‌هایی شده‌اند که صرفاً یک نوع کالای خاص از طریق خط تولید مشخص و از پیش طراحی شده تولید می‌کنند. این محصولات همان پایان‌نامه‌هایی هستند که توسط دانشگاه‌ها و از طریق الگوهای مشابه تولید و هدایت می‌شوند. در چنین شرایطی، بدیهی است که بیشتر دانشجویان در تلاش‌اند تا با پیروی از این قواعد صرفاً یک پایان‌نامه را به اتمام برسانند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، مشخص می‌شود که در حال حاضر توده‌ای کردن اندیشه‌ها به‌شدت توسط دانشگاه‌ها و فضای علمی حاکم بر آنان اعمال می‌شود. الگوهای مشخص و به‌ظاهر معتبری که دانشگاه‌ها با تحمیل آنها به دانشجویان موجب همگونی آنان می‌شوند. به این ترتیب امروزه اعتبار یک تحقیق، با توجه به همسانی، هم‌نوایی و میزان وابستگی آن به جامعه علمی ارزیابی می‌شود. در چنین شرایطی، طبیعی است که محقق مجبور است تا به‌گونه‌ای بیندیشد و عمل کند که مورد قبول جامعه علمی مسلط باشد و در نتیجه هر روز شباهت بیشتری به آنان پیدا کرده و خلاقیت‌اش ضعیف‌تر می‌شود. با توجه به موضوعات مطرح شده، مشخص می‌شود که نگرانی اندیشمندان مکتب فرانکفورت و همسان‌سازی، که به عقیده آنان از طرق مختلف از جمله صنعت فرهنگ اعمال می‌شود، امروزه از طریق سازمان‌ها و مراکز علمی در حال شکل‌گیری است. با این تفاوت که این‌گونه سلطه جدید که از طریق الگوها و ساختارهای علمی ایجاد می‌شود، در عین حالی که پنهان‌تر است، بر اذهان جامعه‌شناسان و نه مردم عادی اعمال می‌شود.

اما یکی دیگر از پیامدهای عمده این وضعیت، از خودبیگانگی دانشجویان در فرایند تحقیق است. به‌طور کلی می‌توان از خودبیگانگی را وضعیتی دانست که در آن، مخلوقات ما که ساخته خودمان هستند، ما را تحت سلطه گرفته و به‌عنوان نیرویی بیگانه بر ما نظارت می‌کنند (کرایب،

۱۳۸۶: ۱۶۱). اریک فروم، از خود بیگانگی را شیوه‌ای از تجربه می‌داند که در آن، شخص خودش را به‌عنوان چیزی بیگانه تلقی می‌کند و یا به‌عبارتی دیگر تبدیل به غریبه‌ای برای خودش می‌شود (نیر و وهرآ، ۲۰۱۰: ۶۰۰). اما توجه اصلی مارکس به از خود بیگانگی‌ای است که در عرصه کار و در چرخه تولید سرمایه‌داری به‌وجود می‌آید. در این چرخه فرد از نتیجه تولیدش که حاصل فعالیت خود اوست، از فراگرد تولید، از خودش و از دیگران بیگانه می‌شود (کوزر، ۱۳۸۵: ۸۵). به نظر او در چرخه تولید سرمایه‌داری، ابتدا کارگر از محصول کارش بیگانه می‌شود. اگر فرد در کارخانه‌ای که مشغول به کار است، هیچ‌گونه نظارتی بر مکانیزم آنچه تولید می‌کند، نداشته باشد و تمایزی میان آنچه او می‌تواند انجام دهد با آنچه دیگران می‌توانستند انجام دهند وجود نداشته باشد، فرد دچار از خود بیگانگی می‌شود (کرایب، ۱۳۸۶: ۱۶۲). همچنین از آنجایی که کار به امری خارجی برای کارگر تبدیل می‌شود، در نتیجه کار بخشی از طبیعت او تلقی نشده و به او تعلق ندارد و باز از آنجایی که او نمی‌تواند خودش را در کارش جلوه‌گر سازد، به انکار و رد خودش می‌پردازد. در نتیجه احساس سرخوردگی کرده و نمی‌تواند به‌گونه‌ای آزادانه استعدادهای ذهنی و فیزیکی‌اش را شکوفا کرده و به کار بگیرد. در چنین شرایطی، از آنجایی که کارگر تحت سلطه چرخه تولید از پیش تعیین‌شده قرار دارد، فعالیت‌اش حالت خودخواسته و خودانگیخته ندارد (مارکس^۲، ۱۹۹۴: ۲۴). اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. انسانی که از محصول کارش و فرایند تولید بیگانه می‌شود، دیگر نمی‌تواند جنبه‌های گوناگون شخصیتش را پرورش داده و از خودش نیز بیگانه می‌شود (کوزر، ۱۳۸۵: ۸۶). در چنین شرایطی، کارگر نه تنها از کار خود احساس خشنودی نمی‌کند، بلکه کار برای او تبدیل به امری ملال‌آور و خسته‌کننده می‌شود. در چنین وضعی، کار نه برای ارضاء نیاز به کار، بلکه صرفاً وسیله‌ای برای ارضاء دیگر نیازها می‌شود. «چون کار آفریننده یک نیاز اصیل انسانی است، پس آن کاری که وسیله برآوردن نیازهای بیرون کار شده باشد، [...] اصالت یا حقیقت خود را از دست داده است» (دریابندری، ۱۳۶۹: ۳۴۵). اما از خود بیگانگی، علاوه بر این، شامل همه مظاهر جامعه صنعتی کنونی که بر انسان تحمیل شده و وجود فردی‌اش را از او گرفته نیز می‌شود. تحولات ماشینی و سلطه تکنولوژی، فرد را به «زائده‌ای از ماشین» بدل می‌کند. در این شرایط، به‌جای اینکه کار موجب تجلی نبوغ و ابتکار و نیروی حیاتی باشد، برعکس موجب نابودی هرگونه خلاقیت می‌شود. «نیروی انسانی و ملکات فاضله‌ای که نشانه برتری او بر حیوان‌ها بود، بر اثر پیشرفت علم و صنعت به نیرویی اهریمنی تبدیل گشته است که نه تنها نوع انسان، بلکه محیط طبیعی او را هم به‌سوی زوال می‌کشاند» (خامه‌ای، ۱۳۶۹: ۱۶).

در مجموع مارکس معتقد است که از خود بیگانگی، حاصلی جز عجز و ناتوانی جسم و ذهن در پی نخواهد داشت. اما از خود بیگانگی، در اشکال نوین آن، نه تنها در عرصه اقتصادی مورد نظر

1. Nair & Vohra

2. Marx

مارکس، بلکه در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی نیز وجود دارد. با این حال، آنچه در میان همه انواع از خودبیگانگی مشترک است و عامل اصلی از خودبیگانگی به حساب می‌آید، از دست رفتن امکان مشارکت در تغییر و شکل‌بخشیدن به جهان است. این عدم امکان برای مشارکت، باعث عدم امکان تعریف هویت‌مان می‌شود. چون هویت ما بر اساس تعریفی که از جایگاهمان در ارتباط با جهان و نقشی که در تغییر و شکل‌بخشیدن به آن داریم، مشخص می‌گردد (اسمیت^۱، ۱۹۹۴: ۳).

حال با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، می‌توان گفت که شرایطی مشابه با فرایند تولید، در فرایند تحقیقات جامعه‌شناسی در دانشگاه‌ها نیز وجود دارد. اما این بار نه کارگران، بلکه محققان دچار از خودبیگانگی می‌شوند. قواعد و الگوهای تحقیقی که ساخته دست خود انسان‌ها است، از چنان اهمیت و قدرتی برخوردار می‌شوند که بر محققان و اندیشه‌های آنها مسلط شده و آنها را وادار می‌کنند تا در قالب‌های خواسته شده توسط دانشگاه و جامعه علمی بیندیشند و عمل کنند. این قواعد و الگوها تبدیل به امری خارج از محقق شده و از او بیگانه می‌شود. چنین محقق، مجبور است تا از روندهای سخت تعریف شده توسط دانشگاه‌ها و جامعه علمی، همچون کارگری که مجبور به کار کردن در قالب قواعدی است که پیش از او و جدای از او و اراده‌اش ساخته شده، پیروی کند. فرایند تحقیق و مراحل آن، که از طریق دانشگاه‌ها و جامعه علمی تعیین می‌شوند، همچون خط تولیدی است که هر محقق را ملزم می‌کند تا همچون کارگر خط تولید، صرفاً تعدادی از چیزها را، که از قبل مشخص شده سر جایشان قرار بدهد. به عبارتی دیگر همان‌طور که به عقیده مارکس، بیگانگی در اثر فقدان کنترل کارگر بر فرایند کارش و الزام به انجام کاری تکراری ایجاد می‌شود و در نتیجه کارگر هیچ استقلال برای دخالت در فرایند تولید ندارد (نیر و وهر، ۲۰۱۰: ۶۰۲) به همین ترتیب، یک دانشجو که درصدد نوشتن یک پایان‌نامه برمی‌آید نیز مجبور به پیروی از قواعد و الگوهایی است که هیچ کنترلی بر آنها نداشته و صرفاً از جانب دانشگاه به او تحمیل شده است. در نتیجه، از خودبیگانگی این بار نه در فرایند تولید، بلکه در فرایند تحقیق و نه برای کارگر، بلکه برای محقق ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین خلاقیت محقق برای کسب شناخت و نوآوری در شیوه آن، از آنجا که با روال از پیش مشخص شده توسط دانشگاه هم‌خوانی ندارد، طرد شده و محکوم می‌شود. با این وصف بدیهی است که محقق با فرایند تحقیق و کسب شناخت و با نتایج کار خود بیگانه شده و کار تحقیقی برایش لذت حقیقی در بر ندارد. رضایت حقیقی از تحقیق زمانی حاصل می‌شود که فرد در کمال آزادی و به دور از هرگونه الزامی به انجام یک تحقیق دست زند. اما الزام به پیروی از الگوهای تحقیقی که همه مراحل و قواعد را از پیش مشخص کرده و ما را ملزم به پیروی از آنها می‌کند، مانع از آن می‌شود که فرد بتواند کنترل کاملی بر تحقیق و مراحل آن داشته باشد. چنین محقق نمی‌تواند از تمام استعداد و نیروی خود برای خلق اندیشه‌های نو

استفاده کند. علاوه بر این پیروی هر چه بیشتر از قواعد و الگوهای تحقیقی که دانشگاه‌ها، دانشجویان را ملزم به استفاده از آنها می‌کنند، باعث می‌شود تا این قواعد و الگوها به امری ضروری و بدیهی در جامعه‌شناسی تبدیل شده و از این رو با گذشت زمان، افراد هرچه کمتری به مخالفت با آنها بپردازند. در چنین شرایطی، ضرورت وجود اندیشه‌ها و روش‌های انتقادی در تحقیقات جامعه‌شناسی، هرچه بیشتر احساس می‌شود. به نظر می‌رسد تنها راه مقابله با این شرایط پرورش و ترویج اندیشه و روش‌های انتقادی در دانشگاه‌ها و تلاش برای نقد الگوها و ساختارهای جا افتاده است.



منابع

۱. ابادزی، یوسف. (۱۳۸۷). *خردجامعه‌شناسی*. تهران: طرح نو.
 ۲. اسپون، الکس الف. (۱۳۸۲). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. حسن قاسم‌زاده. تهران: نیلوفر.
 ۳. خامه‌ای، انور. (۱۳۶۹). *از خودبیبگانگی و پراکسیس*. تهران: به نگار
 ۴. دریابندری، نجف. (۱۳۶۹). *درد بی‌خویشی*. انتشارات پرواز.
 ۵. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۴). *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۶. ریتزر، جورج. (۱۳۸۳). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. محسن ثلاثی. تهران: علمی.
 ۷. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. جلد دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۸. سخاوت، جعفر. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات پیام‌نور.
 ۹. سرایی، حسن. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. تهران: سمت.
 ۱۰. شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۰). بررسی تحقیقات اجتماعی در جوامع رو به توسعه با تأکید بر ایران. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. بهار.
 ۱۱. کچویان، حسین و جلیل کریمی. (۱۳۸۵). *پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی در ایران*. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۸. پاییز.
 ۱۲. کرایب، یان. (۱۳۸۶). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.
 ۱۳. کلاتری، عبدالحسین. (۱۳۸۸). *تطور گفتمانی دفتر تحکیم وحدت*. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۱۴. کوزر، لوئیس. (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. محسن ثلاثی. تهران: علمی.
 ۱۵. محسنی، منوچهر و مسعود کوثری. (۱۳۷۸). *وضعیت تحقیقات اجتماعی فرهنگی در ایران*. تهران: رسانه‌ش
 ۱۶. مرتضوی، جمشید. (۱۳۵۴). *روش‌های جامعه‌شناسی*. تهران: کتاب‌فروشی تهران.
 ۱۷. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی*. کمال پولادی. تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
18. Adorno, Theodor. (1941). On Popular Music Studies. in *Philosophy and Social Sciences*. Vol. No. 1.
 19. Marx, Karl. (1994). Alienated Labor. Key Concepts In *Critical Theory, Alienation And Social Criticism*. Edited By Richard Schmitt And Thomas E. Moody. Humanities Press. New Jersey
 20. Nair, Nisha & Neharika Vohra. (2010). An Exploration Of Factors Predicting Work Alienation Of Knowledge Workers. *Management Decision*. Vol. 48. No. 4.
 21. Schmitt, Richard. (1994). Why Is the Concept of Alienation Important?. Key Concepts In *Critical Theory, Alienation And Social Criticism*. Edited By Richard Schmitt And Thomas E. Moody, Humanities Press. New Jersey